

# هدایای ائمه (ع)

## به شاعران

ترجمه و تدوین: ناصر باهنر

نقل است که غزالی از ۳ چیز کناره گرفت و دو چیز آن به پادشاهان رفتن و صلح گرفتن از آنان است. هر چه حکماء و ارباب عقول و معرفت به در یوزگی دربار و پادشاهان نمی رفتند و از عطای آنان بیستاک بودند، مستقیماً محضر ائمه اطهار (ع) در طول تاریخ جایی شمرده شده است که شعرا و حکماء مکرراً برای کسب عزت و آبرو در آن حضور یافته و در منقبت ایشان مدیحه سرایی کرده اند و با جان و دل حمله ایشان را پذیرا شده اند. تاریخ ائمه حاکی از جلسات معطری است که در آن شاعران با مدیحه سرایی به گدایی خاک پای آنان رفته اند و حمله ایشان را بدیده منت نهاده اند. بهت حاضر ترجمه مقاله «مع جوایز الائمة للشعراء» از کتاب «دراسات و بحوث فی التاريخ والاسلام» تألیف علامه جعفر مرتضی العاملی است.

در زمانی که وسایل ارتباط جمعی این چنین متنوع و گسترده نبود و نیز اکنون که رسانه‌های گروهی فراگیر شده است زبان شعر همچنان یکی از زبانهای آتشین و نافذی است که تا عمق روح انسانها تأثیر میگذارد و میزان تأثیرپذیری آن در مناطقی که شاعری و سخنوری ارزشی محسوب میشود بیشتر است و لذا حاکمان و قدرتمندان بسیار میکوشیده‌اند تا ازین هنر ارزشمند در جهت اهداف و مقاصد خود بهره‌برداری نمایند و شعرا نیز در طول تاریخ نوعاً در خدمت شاهان و امیران بوده‌اند. اما گاهی از میان شاعران حق‌گویانی پیدا میشدند که به ندای فطرت خود پاسخ میدادند و خداوند حقایق را به زبان آنها جاری می‌ساخت این شاعران با مدح و ثنای اهل بیت و ائمه

بودیم. یکی از ایام اطلاع حاصل شد که مرحوم آیه‌الله استاد علامه طباطبایی به دیدن امام می‌آیند دقیقاً خاطر م است که شهید مطهری درست مثل یک شاگرد رفتار می‌کرد همه چیز را مهیا کرده خود غرق در شوق زاید الوصفی بود و به محض ورود علامه پیش دوید دست ایشان را گرفت و روبوسی کرد درست مثل بچه‌ای که به لباس بزرگترش می‌چسبد خود را به علامه می‌چسبانید.

تا اینکه ایشان را وارد اطاق کرد و بعد از ورود پشت در ایستاد و از هر دو استاد اجازه خواست و داخل شد و پس از خروج علامه از محضر امام نیز، استاد مطهری درست با همین سکنات و رفتار ایشان را بدرقه کرد و این حرکات برای من از کسی که بعد از امام بالاترین مقام سیاسی کشور یعنی ریاست شورای انقلاب را داشت خیلی جالب بود. در محضر درس نیز بیان شیوای ایشان از جمله خطرات است که ایشان ادعای مخالف را به گونه‌ای سلیس و متین و محکم بیان می‌کرد (گرچه نظر مخالف مورد قبول خود ایشان نبود) که هر کس در میانه بحث می‌رسید تصور می‌کرد نظر شخص ایشان است. و بعد از اتمام کلام اگر ایشان اشکالی داشت باز با همان تبحر و استدلال و قدرت خاص نقاط ضعف و منفی نظریه را بیان می‌داشت.

رشد معارف - با تشکر مجدد، برای جنابعالی کمال توفیق را مسئلت می‌نمائیم.

اطهار (ع) جان خود را در معرض خطر قرار میدادند و از هدایای شاهان و زورمداران دست می‌شستند در مقابل ائمه اطهار برای خط دادن به شعر و شاعری و تشویق آنها به صراط مستقیم و استفاده از این وسیله تبلیغی مهم برای ترویج حق و حقیقت به شاعران هدایای ارزشمندی میدادند. و مادر زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره میکنیم:

۱- در سفر حج امام زین العابدین (ع) با هشام بن عبدالملک خلیفه اموی برخورد نمود و هشام چنین وانمود که ظاهراً امام را نمی‌شناسد و باین طریق قصد داشت مقام و موقعیت امام را تضعیف نماید و نادیده بگیرد و فرزدق شاعر معروف با اشعار زیبای خود امام را به هشام و حاضرین معرفی کرد و پاسخ مناسبی به خلیفه اموی داد و نقل شده است که امام سجاد (ع) ۱۰۰۰ دینار و یا ۱۲۰۰۰ درهم به فرزدق جایزه داد و فرزدق قبول نکرد چرا که اشعار را برای خوشنودی خدا و رسول سروده بود ولی امام «ع» با اصرار باو بخشید و او هم پذیرفت. مطلع آن شعر چنین است:  
هذا الَّذی تُعرف البطحاء وطأته  
والبیت يعرفه والحل والحرم

۲- «کمیت» یکی از شعر است که در مدح امام باقر (ع) قصیده‌ای میسراید که ابتدای آن اینست: «من لقلب متیم مستهام...» و امام علیه السلام میخواهد به او صله‌ای عنایت کند و شاعر عرض می‌کند من این اشعار را برای خدا سرودم و پاداشی نمی‌خواهم جز اینکه امام از باب لطف یکی از جامه‌هایش را یمن عطا نماید و امام باقر (ع) یکی از لباسهای خود را بعنوان صله باو می‌بخشد.

۳- در تاریخ ائمه چنین آمده است که امام باقر (ع) دستور فرمود تا به کمیت حدود ۵۰ هزار درهم داده شود ولی کمیت نپذیرفت.

۴- بار دیگر امام باقر (ع) دستور فرمود تا به کمیت هزار دینار به‌مراه یک جامه داده شود که او از قبول دینارها سرباز زد ولی لباس را

\* حتی اگر بخواهیم ارزش کار این شاعران را با مقیاس مادی بسنجیم درمی‌یابیم که هدایای ائمه (ع) به آنها در مقابل ارزش عمل آن شاعران اغراق‌آمیز نبوده است.

\* امام رضا (ع) به دعبل خزاعی ۶۰۰ دینار یا کمتر به سبب شعر رئائیه شهرش اعطا فرمود

بخاطر برکاتش پذیرفت. او پول را نپذیرفت در حالیکه بیان نمود ائمه را دوست داشته و در مدح آنها برای اجر اخروی آن نه طمع در مال دنیا سخن می‌راند.

۵ - امام رضا (ع) به دعبل خزاعی ۶۰۰ دینار یا کمتر به سبب شعر رثائیه مشهورش اعطا فرمود که در آن شعر گفته است:  
أری فیئهم فی غیرهم متقسماً  
وَأیسیهم من فئیهم صفرات  
ولی دعبل آن پول را قبول ننمود و از امام علیه السلام درخواست کرد تا لباسی از لباسهایشان را اعطا فرمایند که به آن لباس متبرک شود. ولی امام به او اصرار نمودند که پول را هم قبول کند و او نیز پذیرفت.

یا قوت در معجم ادبائش گفته است: امام به او ده هزار درهم به همراه لباسی هدیه دادند که اهالی قم به ۳۰ هزار درهم آن لباس را از وی گرفتند بجز مقداری که وی آنرا هر کفن خود قرار داد و قصه هم مشهور و معروف است.

و هنگامیکه مأمون از وی خواست تا این شعر را بخواند وی انکار نمود و زمانیکه امام رضا (ع) به او امر کردند آنرا سرود. لذا مأمون به او ۵۰ هزار درهم داد و امام نیز مثل این مقدار یا قریب به آن را به وی اعطا کردند.

۶ - امام رضا (ع) به ابونواس نیز ۴۰۰ دینار یا کمتر - بر حسب اختلاف نقلها - به همراه چهاربائی بخاطر ابیاتی که سروده بوده اند:

مطهرون نقیات نیابهم  
تجری الصلاة علیهم ایسنماذکروا  
۷ - چنین آمده است: که امام زین العابدین

(ع) ۴۰۰ هزار درهم به کمیت داده و فرمودند: ای اباالمستهل اینها را بگیر. و او عرض نمود: اگر مایلید به من هدیه‌ای مرحمت کنید پس مقداری از لباستان را که بدنتان را می‌پوشاند به من بدهید تا متبرک به آن شوم.

۸ - مهمتر از همه اینها نقل می‌کنند که امام حسن (ع) خراج عراق را به مدت یکسال فقط برای ۳ بیت اعطا فرمود و هنگامیکه به امام

اعتراض گردید بیان داشتند: «آیا آنچه را که گفته است نشنیده‌اید:

لایکن جودک لی  
بل یکن جودک لله

پس اگر تمام دنیا از آن من بود آنرا به وی می‌دادم نسبت به ذات الهی اندک بود.

و موارد دیگری نیز وجود دارد که مجالی برای جستجو و شمارش آنها نیست. در هر صورت حتی اگر فرض کنیم که بعضی از این ارقام مبالغه‌آمیز است ولی در این شکی وجود ندارد که ائمه - علیهم السلام - اموال بسیاری را به شعراء اختصاص می‌دادند و سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد اینست که آیا اعطای این اموال بسیار به یک شاعر بخاطر سرودن چند بیت عملی غیر منطقی نیست؟ آیا اسراف و تبذیر انصالی است که دهها بلکه صدها خانواده‌ای که به یک لقمه برای ادامه حیات و تنها برای زنده ماندن محتاجترند می‌توانند از آن استفاده نمایند. پس باید بلکه آنرا به یک شاعر داده می‌شود و بقیه را بین محتاجین و بیچارگان توزیع می‌نمودند و چه بسیار از این افراد محتاج در آن زمان وجود داشتند. به چه دلیل شاعر مستحق این مبالغه‌هاست؟ آیا سرودن چند بیت شعر یکساعت یا کمتر و بیشتر از او وقت می‌گرفت با اینکه امکان داشت تا در آن مدت عمل پرسود دیگری انجام دهد که وی را از طلب منفعت از دیگران و درخواست عطایاشان غنی سازد؟ آیا این مدیحه‌سرایی او را مستحق همه این اموال ساخته و دیگران را هرچقدر هم که سختی و تنگدستی به آنها فشار آورده باشد از آنها محروم می‌سازد؟! و بعد اینکه آیا ممکن است فرق کوچکی بین اینگونه طرز رفتار ائمه با شیوه رفتار دیگر حکام باشد؟

و اگر گفته شود که این واقعیت زندگی مردم در آن زمان است و روش حکام و مردم در آن وقت اینگونه بوده است آیا ائمه - این هادیان نیکو - هم باید تسلیم این شرائط شوند؟ یا اینکه بر آنها لازم است تا آنرا تغییر دهند؟ یا

حداقل در آشکارا آریشان را اعلان کرده و این روش را رد نمایند؟! چرا که بر ائمه است که با دردها و آرزوهای مردم زندگی کرده و با آنها همدرد باشند و سعی نمایند تا با تمام توان آن دردها را تخفیف بخشند نه آنکه با دادن آن همه اموال به شعراء که ممکن بود بسیاری از سختیها و بیچارگیهای مورد ابتلاء مردم را تخفیف بخشند، به استمرار این شرائط کمک کنند.

جواب این سؤالات با کمال سادگی و روشنی اینست که: خیر، آنچه که آنها - سلام و درود خدا بر آنها باد - انجام دادند شایسته‌ترین و بهترین بود و اگر غیر از این می‌کردند خطای بزرگی بود. پاسخهای ما عبارتند از: اولاً: ما باید بررسی نماییم که آیا این شاعر یا سرودن شعر خود چیزی را اعطا کرده و بخشیده است که در مقابل آن استحقاق این هدایا را داشته باشد؟ جواب اینست که: بله، شاعر بامدحی که از اهل بیت کرده و با خط آنسان همراهی نموده است چیزی بسیار باارزشتر از مال را اعطا کرده و بخشیده است و هر آنچه که در مقابل بذل او به وی داده شود ناچیز است. او در حقیقت خود و روح و خوش را بذل کرده است و تمام آنچه که در دنیاست در مقابل نفس او و روحش ناچیز است. زیرا وقتی در مدح اهل بیت - علیهم السلام - شعری می‌سراید خود را در معرض کشته شدن و خانواده‌اش و بلکه بسیاری از کسانی که با او ارتباطی دورادور دارند را در معرض سختی و رنج و بلا قرار داده است و همه ما می‌دانیم که «کمیت» خوش ریخته شد و «فردق» زندانی و مورد اهانت قرار گرفت و زندگی «دعبل» هم زندگی نبود که کسی بر آن رشک ببرد.

کافیست که این مطلب را در اینجا ذکر نمایم که رشید بخاطر ۲ بیت شعر در مدح اهل البیت دستور داد تا دست و پای منصور نمری را قطع کرده و زبانش را از قفا بیرون کشند و سپس گردنش زده شده و به صلیب کشیده شود

\* اگر نگوییم که شعر در آن زمان بطور مطلق مهمترین وسیله تبلیغ و ساده‌ترین آنها بود قطعاً از اهم آنها شمرده می‌شود.

\* شعر یکی از وسایل مهم رسانیدن حقانیت اهل بیت (ع) و بخصوص علی (ع) است.

مصائب را بخاطر آنها و در راه آنها تحمل نمودند، نگشودند و این مسئله ایست که به اعتبار اهل بیت و حرکت الهی آنان لطمه وارد ساخته و موجب انصراف مردم از آنها می‌گردد و خواهند گفت پس چرا ما با پیروی و حبّ اهل بیت خود را در معرض نابودی قرار دهیم و این بدون شک ضرر بزرگی است که مال در ازاء آن برابری نکرده و هیچ ارزشی ندارد.

هر عملی ارزش خود را از مقصد و نیت آن عمل کسب می‌کند و در این راستا اگر هدف یاری دین خدا و رسالت الهی باشد خدمت به تمام بشریت است و والاترین ارزشها را دارد و اینجاست که به ارزش کار آن شاعران پی می‌بریم بخصوص اگر بیاد داشته باشیم که ائمه (ع) و شیعیان آنها از لحاظ سیاسی و تبلیغی شرایط دشواری را سپری می‌کردند و به همین نسبت ارزش کار این شاعران نیز افزون‌تر می‌شود.

نکته دیگر اینکه اگر نگوییم که شعر در آن زمان بطور مطلق مهمترین وسیله تبلیغ و ساده‌ترین آنها بود قطعاً از اهم آنها شمرده می‌شده چرا که شعر با ذوق عربی و فطرت او مناسب و با طبیعت و سنجیه‌اش که او را وادار می‌سازد با تمام عواطف و جوارحش با آن برخورد نماید منسجم می‌باشد و آنچه که شعراء می‌سرایند را مردم حفظ کرده و آنرا نقل

مواجه میشد نمی‌توانست از این مال بسنحو مطلوبی استفاده نماید ولی خسانواده‌اش و کسانی که به نوعی به او تعلق داشتند زمانی که سرپرست آنها نمی‌توانست بسه کسارهای معمولش پرداخته و آنچه که آنان احتیاج دارند را تأمین نماید بسیار بیشتر به آن نیازمند بودند.

بنابر آنچه بیان گردید اگر اهل بیت - علیهم السلام - این هدایا را عطا نمی‌کردند تصویری ناپسند از خود به مردم ارائه می‌دادند و - العیاذ بالله - اثبات می‌نمودند که عهد و وفائی ندارند و شایسته نیست که کسی بر آنها دل بسته و توهم نماید که ممکن است زمانی دست کمک خود را بسوی ائمه (ع) بگشایند، چرا که آنها دست کمک خود را حتی بسوی آنها که خستوشان را داده و تمام سینه‌ها و

و سرش را برای وی بیاورند. و چقدر رشید خشمگین شد زمانی که دریافت منصور پیش از اجرا شدن این دستورات در گذشته است حتی خوارزمی می‌گوید: جسدش را از قبر بیرون کشید و آتش زد. بعد از این همه چه چیز می‌تواند پاداش شاعری باشد که خود را در آستانه چنین دشواری‌هایی قرار می‌دهد و چگونه ممکن است مقابله به مثل نیکوئی انجام داد؟! حتی اگر بخواهیم ارزش کار این شاعران را با مقیاس مادی بسنجیم درمی‌یابیم که هدایای ائمه (ع) به آنها در مقابل ارزش عمل آن شاعران اغراق‌آمیز نبوده و اسراف و تبذیری نیست. زیرا خود این شاعر مستعهد بسبب حالتی که با آن مواجه بود و شرایط دشواری که به واسطه سرودن آن شعر با آن



می‌نمایند و در کتابهای خویش تدوین می‌کنند. شعر، بیانی است که خسته‌کننده نیست و کاری است که بزرگ و کوچک، غنی و فقیر و والا و پست از مردم را به خود مشغول ساخته و تأثیر بسزائی در اقشار گوناگون و در تمامی گروهها دارد.

گاه می‌شود که یکی از مردم یک چیز با ارزش و نفیسی را می‌بخشد تا در مدح او حتی یک بیت شعر سروده شود و نامش را تا ابد بلند مرتبه و شریف سازد و یاد در موردش شعری سروده نشود که تا ابد او را خوار و حقیر نماید. و از اینجا است که در می‌یابیم که خیلی طبیعی باشد که شعر نقشی اساسی در تأیید یک جریان و بلند ساختن مرتبه آن یا کم کردن از اعتبارش و تقبیحش را داشته باشد.

در تاریخ می‌بینیم که خلفای عباسی اموالی بسیار به مدیحه سرایانی که آراء سیاسی آنها را استحکام بخشیده و در مقابل دشمنانشان یعنی آل علی (ع) از آنها دفاع نموده ائمه هدیه می‌دادند تا آنجا که به مروان بن ابی حنصه بخاطر بعضی قصائدش صد هزار درهم داده شد و قصیده اش صد بیت بود که برای هر بیت هزار درهم از سوی مهدی یکبار داده شد و بعد از آن از طرف رشید بار دیگر اعطا گردید. نوه او مروان بن ابی‌الجنوب به ولایت بحرین و یمامه و نیز ۴ خلعت نائل آمد و صد هزار دینار بر او پاشیده شد و امر شد که آنها را جمع‌آوری نماید و همه اینها بخاطر آن بود که شعری در تأیید عباسیان و نکوهش علویان سرودند.

خلاصه سخن آنکه: تأثیر تبلیغی شعر در آنزمان بیش از تأثیر روزنامه، مجله و رادیو و تلویزیون و غیر از آن از وسائل امروزی تبلیغ بوده است چرا که شعر مرتبط به روح و عقل و فطرت انسان عربی است اما وسائل تبلیغی امروزی نهایت آنچه که می‌توانند انجام دهند اینست که در انسان بعنوان مثال بعضی از احساسات مربوط به غریزه جنسی یا مذهب‌ستی یا غیر از این را برانگیزند. امری که بی‌درنگ محتوای خود را نسبت به این فرد از دست داده

و سپس متلاشی و معدوم از دائره حیاتش می‌گردد. آری، شعر تأثیر سحر را در نفوس انسانی دارد و هیچ چیز قادر نیست تأثیری را داشته باشد که شعر از آن برخوردار است و هیچ چیز مانند شعر منتشر نمی‌شود.

و لذا طبیعی است که شعر یکی از وسایل مهم رسانیدن حقانیت اهل بیت و بخصوص علی (ع) است که در واقع شناساندن شکل راستین اسلام و ترویج خط اهل بیت (ع) و رسانیدن آن به نسلهای آینده است و در این مسیر هر چقدر مال و هدایا صرف شود در جای صحیح خود و در بهترین جا صرف شده است و باعث تداوم راه ائمه (ع) و ترویج و اشاعه هر چه بیشتر آن خواهد شد و چه طریقی بهتر از این که مال و ثروت برای تبلیغ و ترویج دین خدا بکار گرفته شود و باین طریق نسلهای آینده نیز از برکات آن برخوردار می‌شوند.

حال می‌توان دریافت که چرا امام حسن (ع) می‌فرماید زیرا: اگر تمام دنیا از آن او بود نسبت به ذات الهی اندک است دادن تمام خراج عراق - اگر اینگونه باشد - هدف از آن قرب به خدا و جلب رضایت او بوده است. این نکته بسی در خور توجه است که مداحان اهل بیت و شاعرانی که صراط مستقیم ائمه را تبلیغ می‌کرده و از آن دفاع می‌نمودند عموماً اموال اهدائی از سوی ائمه را قبول نمی‌کردند و تأکید داشتند که در آن موضعگیرها و مدح اهل بیت و دفاعشان از جریان ائمه مقصودی جز رضای الهی منظور نبوده است همانگونه که در ماجرای فرزندق و امام زین‌العابدین (ع) و کمیت با ایشان و امام باقر (ع) و دعبل با امام رضا (ع) اینگونه بود و نهایت تقاضای آنها این بود که از لباسی که به بدن این بزرگواران متبرک گردید جهت تبرک و قرار دادن در کفن‌هایشان اکرام نمایند. با توجه اینکه آن شعراء و هر کس که ائمه را مدح و از خط آنان که خط اسلام است دفاع می‌نمود با شدیدترین انواع شکنجه و وسایل آزار مواجه می‌گردید و سرانجامشان با کشته شدن به صورتی دردناک

و با روشهایی طاقت فرسا خاتمه می‌یافت این مسئله بیانگر این حقیقت است که موضعگیریهایشان برخاسته از احساس اعتقادی آنها بود و ریشه در جانشان داشت. که حاضر بودند تا پای جان در این راه فداکاری نمایند. و این درست خلاف رویه شاعرانی است که بسخاطر جلب رضایت حکام به تملق‌گویی آنان پرداخته و غالباً هیچ چیز بر ایشان جز منفعت جویی از حکومت وقت به هر وسیله ممکن اهمیت نداشت. و اگر احساس می‌کردند که در این طریق خطری وجود آنها را تهدید نموده یا مبالغی را که متوقع آنان است تأمین نمی‌سازد از او روی گردانیده و چه بسا جنگهایی بر علیه وی برآید می‌انداختند.

لذا می‌توانیم در آن قصائد و اشعاری که در مورد اهل بیت بیان گردیده صورتی حقیقی و واقعی از عظمت اهل بیت را بجوئیم که از سوی پیروان و آگاهان به موقعیت و مرتبه آنان به عنوان قله کمالات انسانی و فضائل اخلاقی نظر می‌شود. ما می‌توانیم از آن اشعار عاطفه شعله‌وری را بجوئیم که با پشت سر گذاردن تمامی آن موانع توانست چشمه‌ای لبریز از عاطفه صادقانه‌ای را جوشان نماید که طمع آنرا آلوده نساخته و جز امید به رحمت و ثواب الهی و امان از جزاء و عقاب او آنرا در بر نگرفته است. آن عاطفه‌ای که با پدید آوردن کوهی از آتش تمام آن ابرهای عظیم اکاذیب، یاهوها و ادعاهائی که پیرامون اهل بیت علیهم‌السلام و شیعه و محبین آنها حکایت شده را از بین می‌برد. آن عاطفه صادقانه‌ای که حقیقتاً از قلب می‌جوشد و اصالت خود را از حقیقتی زنده بر می‌گیرد نه بمانند شعر آن تجارت پیشگانی که روح فریب در آن داخل است آن شعری که قادر نیست به هیچ صورت از واقعیتی زنده و اصالتی مستحکم تعبیر نماید.